



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۴ مهر ۱۳۹۱

مصادف با: ۸ ذی القعدة ۱۴۳۳

جلسه: ۵

موضوع کلی: موضوع علم اصول

موضوع جزئی: نظرات و بررسی آنها

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

نظریه محقق بروجردی:

بحث ما در موضوع علم اصول بود، نظریه محقق بروجردی باقی مانده که این نظریه را هم باید مورد بررسی قرار دهیم و نهایتاً ببینیم حق در مسئله کدام است. اجمال نظر ایشان این است که موضوع علم اصول عبارت است از الحجة فی الفقه لکن برای اینکه این مطلب کاملاً معلوم شود ما نظر ایشان را در ضمن چند مطلب بیان می‌کنیم که این مطالب به هم پیوسته است و در نتیجه‌گیری در مسئله موضوع علم اصول دخیل است:

مطلب اول:

مطلب اول این است که ایشان درباره موضوع هر علمی می‌فرماید: موضوع هر علمی عبارت است از ما یبحث فیہ عن عوارضه الذاتیه و آن چیزی جز جامع بین محمولات مسائل آن علم نیست بر خلاف بسیاری که موضوع هر علمی را جامع بین موضوعات مسائل می‌دانند، ایشان می‌فرماید موضوع هر علمی جامع بین محمولات مسائل آن علم است و این همان ما یبحث فیہ عن عوارضه الذاتیه است لذا ایشان مانند قدماء معتقد است تمایز علوم به تمایز موضوعات است. به نظر ایشان وجه اینکه موضوع هر علمی جامع محمولات مسائل آن علم است این است که اولین چیزی که به ذهن انسان منسب می‌شود و نزد ذهن معلوم است جامع محمولات است لذا در وعاء ذهن موجود می‌شود و در هر علمی تعینات و تشخیصات و مصادیق آن دنبال می‌شود مثلاً در علم حکمت به معنای اعم (فلسفه)، موضوع عبارت است از وجود که وجود یک معنای معلوم و روشنی در نزد ذهن دارد ولی در علم فلسفه آن چیزی که تعقیب می‌شود تعینات و انقسامات وجود است نه تعینات به معنای مصادیق خارجی وجود مثل زید و عمرو بلکه از قبیل وجود واجب و وجود ممکن که یک تقسیم است و یا جوهر و عرض و جسمیت و غیر جسمیت همه از اموری هستند که برای ما معلوم نیست و ما در فلسفه به دنبال روشن شدن این امور هستیم. وجود، موضوع فلسفه است اما وقتی دقت می‌کنیم در مسائل فلسفه محمول قرار گرفته است مثلاً گفته می‌شود واجب الوجود موجوداً یا الجسم موجوداً که وجود که قدر مشترک بین محمولات مسائل است که موضوع قرار گرفته است. پس مرحوم آیه الله بروجردی معتقد است که جامع بین مسائل یک علم که آن را از سایر علوم جدا می‌کند قدر مشترک بین محمولات مسائل است نه قدر مشترک بین موضوعات چون موضوع علم چیزی است که در آن علم تعینات آن دنبال می‌شود

۱. لمحات الاصول، ص ۲۰-۱۷ و نهاییه الاصول، ص ۱۵ و ۱۶.

و از عوارض آن بحث می‌شود و این خصوصیت فقط در جامع محمولات وجود دارد. توجه به این نکته لازم است که بین موضوع علم و موضوع قضیه اشتباه نشود، در مسائل و قضایای هر علمی یک موضوع داریم و یک محمول که نوعاً می‌گویند جامع بین موضوعات مسائل، موضوع علم است ولی مرحوم آیه الله بروجردی می‌گویند جامع بین محمولات مسائل، موضوع علم است.

مطلب دوم:

آنچه که در علم اصول محمول است حجت است یعنی حجت چیزی است که برای ما معلوم است و ما در علم اصول به دنبال تعیینات حجت هستیم. چرا می‌گوییم موضوع علم اصول حجت است و چگونه ما در علم اصول به دنبال تعیینات و تشخیصات و مصادیق حجت هستیم؟ مرحوم بروجردی می‌فرماید: ما یقین داریم اجمالاً تکالیف و احکامی برای ما در شریعت ثابت است و این در جای خود ثابت شده و بر همین اساس علم اجمالی داریم خداوند تبارک و تعالی حجج و ادله‌ای را برای وصول به این تکالیف قرار داده تا بر اساس آن بتواند بر بندگان احتجاج کند و بندگان نیز بتوانند با او احتجاج کنند یعنی از طرفی برای اثبات احکام شرعیه، حجت لازم است و از سوی دیگر برای امتثال آن نیز حجت ضروری است یعنی خداوند متعال باید حجتی داشته باشد که به بندگان بگوید تکلیف برای شما ثابت شده، مثلاً بگوید امام صادق (ع) فرمود و زراره هم برای شما نقل کرد و از طرف دیگر هم بندگان بتوانند در مقابل خداوند متعال احتجاج کنند و مثلاً بگویند ما طبق آنچه که زراره از قول امام صادق (ع) نقل کرده عمل کردیم و یا بگویند اصلاً چیزی به ما واصل نشده بود تا بر طبق آن عمل کنیم. پس اصل حجت در شریعت برای ما معلوم و قطعی است و معلوم شد که این حجت هم به معنای اصطلاحی نیست. آن حجتی که ما یقین به وجود آن در شرع داریم حجت به معنای لغوی است یعنی ما یحییج به العبد علی المولی و ما یحییج المولی به علی العبد، این حجت موضوع علم اصول است و ما در علم اصول دنبال تعیینات و تشخیصات و مصادیق و افراد حجت هستیم مثل خبر واحد، اجماع، شهرت، ظاهر کتاب، استصحاب و سایر مواردی که در اصول مورد بحث واقع شده که در واقع تعیینات و تشخیصات حجت هستند مثلاً در مورد خبر واحد مسئله این است که خبر الواحد حجة که حجت محمول است و ما می‌خواهیم ببینیم آیا خبر واحد مصداقی از حجت است یا خیر و به همین خاطر می‌گوییم ما در اصول به دنبال تعیینات یعنی مصادیق حجت هستیم، یا در مورد اجماع بحث این است که الإجماع حجة ام لا، احد الخیرین فی باب التعارض حجة ام لا، قیاس حجة ام لا و حتی در مسئله قطع تفصیلی با اینکه حجیت آن واضح است اما خود القطع حجة هم یکی از مسائل علم اصول است. در همه این قضایا و نمونه‌هایی که عرض کردیم آنچه محمول واقع شده حجت است، حال موضوع علم اصول عبارت است از این حجت یعنی قدر مشترک بین همه محمولات در مسائل علم اصول، چون حجت امری است که نزد ما معلوم است و آنچه که مجهول بوده و ما به دنبال آن هستیم تعیینات و افراد و مصادیق است و این در همه مسائل علم اصول جریان دارد و حتی در مواردی هم که به حسب ظاهر قضیه، محمول حجیت نیست؛ مثلاً در بحث از صیغه امر گفته می‌شود آیا صیغه امر ظهور در وجوب دارد یا خیر که محمول، حجت نیست چون گفته می‌شود: صیغة الامر يدل علی الوجوب ام لا

که به حسب ظاهر، محمول حجت نیست اما به معنای حقیقی در این مسئله هم حجت به عنوان محمول واقع شده چون حقیقت این قضیه این است که هل الامر حجة علی الوجوب ام لا؟ در باب مفاهیم هم که گفته می‌شود شرط مفهوم دارد یا نه، وصف مفهوم دارد یا نه؟ در واقع بحث از حجیت است چون در واقع بحث در این است که هل یكون مفهوم الوصف حجة ام لا؟ در اصل برائت هم بحث این است که در مواردی که مکلف احتمال تکلیف می‌دهد آیا این احتمال برای مکلف حجت است یا نه؟ در مسئله مشتق هم بحث این است که آیا مشتق نسبت به ما انقضی عنه التلبس حجت است یا نه؟ پس به هر یک از مسائل علم اصول که نظر شود یا مستقیماً محمول آن حجت است و یا به نحو غیر مستقیم. این به حسب ظاهر قضیه است که حجت، محمول واقع شده و جامع بین همه محمولات است لکن همین جامع بین محمولات، موضوع علم است چون مبنای آیه الله بروجردی این است که موضوع هر علمی عبارت است از جامع بین محمولات که در مطلب اول عرض کردیم ایشان معتقد است «موضوع کل علم ما یبحث فیه عن عوارض الذاتیه و لیس الا هو الجامع بین المحمولات»، ما یبحث فیه عن عوارض الذاتیه به نظر ایشان عبارت است از جامع بین محمولات. بر این اساس موضوع علم اصول، الحجة فی الفقه است نه الحجة علی الحکم الشرعی که محقق اصفهانی فرمودند.

مطلب سوم:

خود مرحوم آیه الله بروجردی تصریح می‌کند که بعضی از موارد از دایره مسائل علم اصول خارج است و داخل در مبادی است، طبق آنچه که در تقریرات کلام ایشان آمده بحث مقدمه واجب که بحث از ملازمه عقلی بین وجوب مقدمه و وجوب ذی‌المقدمه است از مسائل علم اصول خارج است و داخل در مبادی علم اصول است لکن به نظر ایشان مبادی بر دو قسم است؛ یکی مبادی لغوی و دیگری مبادی احکامیه، ایشان می‌گویند مسئله وضع، حقیقت و مجاز و بعضی مباحث دیگر داخل در مبادی لغوی هستند و بعضی از مسائل هم مثل بحث ضد و اجتماع امر و نهی داخل در مبادی احکامیه‌اند.

مطلب چهارم:

ریشه کلام مرحوم بروجردی از شافعی است و در تقریرات مرحوم بروجردی آمده که اصل این سخن در رساله شافعیه آمده که در علم اصول بحث می‌کنیم آیا قیاس حجت است یا نه، قول صحابی در فقه حجت است یا نه؟ لذا عنوان الحجة فی الفقه به عنوان موضوع علم اصول در کلمات شافعی آمده و مرحوم آیه الله بروجردی هم آن را به عنوان موضوع علم اصول ذکر کرده است.

نظریه امام(ره):

به نظر ایشان هم موضوع علم اصول الحجة فی الفقه است لکن همان طور که سابقاً اشاره شد تفاوتی بین نظر امام(ره) و مرحوم بروجردی وجود دارد. امام(ره) ضمن اینکه با مرحوم آیه الله بروجردی متحد القول هستند اما اختلافی هم با ایشان دارند که این اختلاف مبنایی است و آن این است که به نظر ایشان موضوع هر علمی عبارت است از جامع بین موضوعات مسائل آن علم بر خلاف مرحوم بروجردی که موضوع هر علمی را جامع بین محمولات می‌دانند. حال باید دید چگونه بین این دو

مطلب می‌توان جمع کرد که امام(ره) از یک طرف موضوع علم اصول را الحجة فی الفقه می‌داند و از طرف دیگر موضوع هر علمی را جامع بین موضوعات می‌داند. مرحوم آیه الله بروجردی مشکلی ندارد چون می‌گوید موضوع هر علمی جامع بین محمولات است و در علم اصول هم محمول، حجت است پس هیچ مشکلی وجود ندارد که ما بگوییم موضوع علم اصول الحجة فی الفقه است اما امام(ره) که می‌گوید موضوع علم عبارت است از جامع بین موضوعات چگونه موضوع علم اصول را الحجة فی الفقه قرار می‌دهند چون ایشان جامع بین موضوعات را موضوع قرار داده در حالی که حجت، محمول است؟ پاسخ این است که در قضایایی مثل خبر الواحد حجة، موضوع خبر واحد است و محمول، حجة است، در اجماع حجة، ظاهر کتاب حجة هم مطلب از همین قرار است ولی موضوعیت و محمولیت اینها امور واقعی و تکوینی و حقیقی نیست بلکه از باب عکس الحمل است یعنی در واقع آن چیزی که موضوع است حجة است و محمول عبارت است از تعینات و مصادیق و افراد یعنی حقیقت خبر الواحد حجة عبارت است از الحجة خبر الواحد و حقیقت اجماع حجة عبارت است از الحجة اجماع، پس آنچه که در مسائل علم اصول حقیقتاً به عنوان موضوع قرار گرفته حجت است چون عند الذهن آنچه که مجهول است افراد و مصادیق است و آنچه که معلوم است حجت است و همین باید موضوع قرار گیرد و این با تعریفی که از موضوع علم و توصیفی که از حجیت داریم سازگارتر است، خود مرحوم بروجردی هم فرمودند موضوع هر علم در ذهن، اولین چیزی است که وجود دارد و ما در آن علم به دنبال کشف تعینات آن هستیم حال چنین چیزی چرا محمول باشد بلکه باید در جایگاه موضوع قرار گیرد لذا آنچه که در علم اصول حقیقتاً موضوع مسائل واقع شده الحجة فی الفقه است پس خود این عنوان موضوع علم اصول است.^۱

بحث جلسه آینده: انشاء الله در جلسه آینده به بررسی نظر مرحوم آیه الله بروجردی و امام(ره) خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. جواهر الاصول، ج ۱، ص ۴۷ و ۴۸ و ص ۵۸ و ۵۹.